

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه.....
۳.....	فصل اول (کلیات تحقیق).....
۴.....	۱-۱- بیان مسئله (طرح مسئله).....
۵.....	۱-۲- اهداف تحقیق.....
۵.....	۱-۳- انگیزه و علت انتخاب موضوع.....
۵.....	سوالات اصلی و فرعی (سوالات تحقیق).....
۵.....	۱-۴- سوال اصلی.....
۶.....	۱-۵- سوالات فرعی.....
۶.....	۱-۶- فرضیه.....
۶.....	۱-۷- متغیرها.....
۶.....	۱-۸- روش تحقیق.....
۷.....	۱-۹- ابزار و روش گردآوری اطلاعات.....
۷.....	۱-۱۰- تعریف مفاهیم.....
۸.....	۱-۱۱- محدودیت ها و موانع و مشکلات تحقیق.....
۹.....	۱-۱۲- پیشینه و ادبیات تحقیق.....
۱۰.....	۱-۱۳- سازماندهی تحقیق.....
۱۱.....	فصل دوم (چارچوب نظری).....
۱۲.....	۲-۱-۱- مباحث تئوریک در تحلیل سیاست خارجی.....
۱۲.....	۲-۱-۲- واقع گرایی کلاسیک.....
۱۳.....	۲-۱-۳- واقع گرایی در قرن بیستم.....
۱۴.....	۲-۱-۴- نو واقع گرایی یا واقع گرایی ساختاری.....
۱۴.....	۲-۱-۵- لیبرالیسم.....
۱۵.....	۲-۱-۶- نهادگرایی لیبرال و نولیبرال.....

- ۲-۲- مبانی سازه انگاری..... ۱۷
- ۳-۲ سازه انگاری در روابط بین الملل..... ۲۰
- ۴-۲ کاربرد نظریه سازه انگاری در تحلیل رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران..... ۲۶

فصل سوم (لبنان، گروهها و احزاب سیاسی در آن کشور)..... ۳۰

- بخش اول (نگاهی به کشور لبنان)..... ۳۱
- بخش دوم (بررسی احزاب و گروه ها در جامعه لبنان)..... ۴۱
- الف) احزاب قومی - ملی و چپ لبنان..... ۴۳
- ب) احزاب اسلامی لبنان..... ۴۹
- ج) احزاب مسیحی لبنان..... ۶۲

فصل چهارم (مناقشات جناحهای داخلی لبنان)..... ۷۰

- الف) نفوذ قدرت های منطقه ای در احزاب سیاسی لبنان..... ۷۱
- ۴-۱- زمینه های نفوذ سوریه در احزاب لبنان (دلایل اهمیت لبنان برای سوریه)..... ۷۲
- ۴-۲- زمینه های نفوذ اسرائیل در احزاب لبنان (دلایل اهمیت لبنان برای اسرائیل)..... ۷۳
- ۴-۳- زمینه های نفوذ ایران در احزاب اسلامی لبنان (دلایل اهمیت لبنان برای ایران)..... ۷۷
- ۴-۴- نفوذ عربستان در احزاب اسلامی لبنان..... ۸۲
- ۴-۵- نفوذ قطر در لبنان به عنوان میانجی..... ۸۵
- ۴-۶- نفوذ مصر در لبنان..... ۸۷
- ۴-۷- نفوذ ترکیه در لبنان..... ۸۷
- ب) زمینه های نفوذ قدرت های بین المللی در احزاب سیاسی لبنان..... ۸۹
- ۴-۸- زمینه های نفوذ فرانسه در احزاب سیاسی لبنان..... ۹۰
- ۴-۹- زمینه های نفوذ ایالات متحده آمریکا در احزاب لبنان..... ۹۶
- ۴-۱۰- دلایل شکل گیری مناقشه در میان احزاب لبنان از منظر نفوذ قدرت های خارجی..... ۱۰۳
- دسته اول - بازیگران داخلی..... ۱۰۳
- دسته دوم - بازیگران منطقه ای..... ۱۰۵
- دسته سوم - بازیگران فرامنطقه ای..... ۱۰۵

- ۴-۱۱- ریشه و علل مناقشات جناح‌های داخلی لبنان (از منظر تاریخی-اجتماعی-سیاسی-ساختاری)
 ۱۰۵.....
 ۱۰۶..... دسته اول-علل بلند مدت.....
 ۱۰۹..... دسته دوم- علل کوتاه مدت.....

- فصل پنجم (سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۸)..... ۱۱۵
 ۱-۵- اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران..... ۱۱۶
 ۲-۵- اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران..... ۱۲۲
 ۳-۵- جایگاه منافع ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران..... ۱۲۷
 ۴-۵- جایگاه ایدئولوژی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران..... ۱۲۹
 ۵-۵- گفتمان مسلط در سیاست خارجی جمهوری اسلامی..... ۱۳۰
 ۶-۵- هویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران..... ۱۳۱
 ۷-۵- روشها و چگونگی تنظیم سیاست خارجی..... ۱۳۲
 ۸-۵- آغاز سیاست خارجی خاتمی..... ۱۳۶
 ۹-۵- دستاوردهای دولت خاتمی..... ۱۵۰
 ۱۰-۵- آغاز سیاست خارجی احمدی نژاد..... ۱۵۲
 ۱۱-۵- تحلیل مقایسه ای سیاست خارجی دولت هشتم و نهم جمهوری اسلامی ایران..... ۱۶۵

- فصل ششم (تاثیر مناقشات جناح‌های داخلی لبنان بر سیاست خارجی دولت هشتم و نهم جمهوری اسلامی ایران)..... ۱۷۲
 ۱-۶- مناقشات جناح‌های سیاسی داخلی لبنان از زمان استقلال لبنان (۱۹۴۳) تا سال ۲۰۱۲..... ۱۷۳
 ۲-۶- مهمترین تحولات لبنان در هزاره سوم میلادی..... ۱۷۵
 ۳-۶- مواضع جناح‌های داخلی لبنان (نه فقط حزب الله) نسبت به ایران..... ۱۸۶
 ۴-۶- سیاست خارجی ایران در قبال لبنان و فلسطین..... ۱۹۳
 ۵-۶- گفتمان مسلط در نظام جمهوری اسلامی ایران، خرده گفتمان‌های مشروع در دولت هشتم و نهم در قبال مسائل لبنان و فلسطین به ویژه حزب الله لبنان..... ۱۹۶
 ۶-۶- جهت گیری سیاست خارجی خاتمی در قبال منطقه و کشورهای عربی..... ۱۹۸

۲۰۱.....	۶-۷- خرده گفتمان مشروع عدالت - مبارزه (دولت نهم).
۲۰۴.....	۶-۸- روابط ایران و فلسطین.....
۲۰۶.....	۶-۹- مواضع ایران نسبت به مناقشات جناح های داخلی لبنان.....
.....	۶-۱۰- تاثیر مناقشات جناح های داخلی لبنان بر سیاست خارجی دولت هشتم ونهم جمهوری اسلامی ایران.....
۲۱۲.....	نتیجه گیری.....
۲۱۶.....	فهرست منابع.....
۲۲۷.....	

مقدمه:

ویژگی منحصر به فرد لبنان، ترکیب قبیله ای - مذهبی است. این ترکیب، تاثیر مهمی بر سرنوشت سیاسی لبنان داشت. مشکلاتی که در دگرگونی اجتماعی همه کشورها وجود دارد، در لبنان با ترکیب قبیله ای - مذهبی منحصر به فرد آن عجین شده است. هیچ یک از هفت فرقه عمده مذهبی این کشور، اکثریتی را تشکیل نمی دهند. موازنه تقریبی بین مسیحیان و مسلمانان از یک سو و تقسیم مسلمانان به شیعیان و سنی ها از سوی دیگر فضای سیاسی لبنان را همواره ناآرام و بی ثبات کرده است. حضور مسیحیان علاقه غرب به این کشور را در پی داشته است. حضور سنی ها هم علاقه مندی کشورهای اسلامی را برانگیخته است. حضور شیعیان نیز حضور چشم گیر و موثر ایران را در تحولات این کشور طی سالهای اخیر موجب شده است.

در تاریخ کشور لبنان، دردوره هایی احزاب به صرف تعلقات قبیله ای - مذهبی و با اتکا به حمایت خارجی مقدمات جنگ داخلی رافراهم کرده اند. لبنان به عنوان دومین کشور کوچک منطقه خاورمیانه، دارای بیشترین تعداد احزاب، گروهها و دسته های سیاسی در سطح منطقه خاورمیانه می باشد. در این میان بافت نامتجانس قومی، نژادی و مذهبی لبنان توأم با ترکیب قبیله ای - مذهبی اش، سبب عدم پایداری یک نظام حزبی دموکرات به مانند دموکراسی های غربی گشته است. به صورتی که اعضای احزاب سیاسی لبنان، نه بر پایه گرایش های سیاسی، بلکه بر اساس گرایش های قبیله ای - مذهبی، به درون این احزاب جذب می شوند.

بنابر گفته دکتر نهاد حشیشو نویسنده کتاب «احزاب سیاسی لبنان»، احزاب سیاسی در لبنان براساس گرایش های قبیله ای - مذهبی، به سه دسته: احزاب قومی - ملی (چپ)، احزاب اسلامی و احزاب مسیحی تقسیم می شوند.

احزاب سیاسی لبنان بعد از استقلال لبنان از فرانسه، به واسطه بافت ویژه قبیله ای - مذهبی کشورشان توسط سران طوایف، به حاشیه رانده شدند. این رکود سیاسی تا سال ۱۹۵۸ به شدت ادامه داشت. تا اینکه متعاقب وقوع جنگ ۶ ماهه داخلی، نقش برجسته خود را در صحنه ی سیاسی لبنان را اندک اندک باز یافتند. از سال ۱۹۵۸، احزاب سیاسی سیری صعودی در جهت به دست گیری قدرت در لبنان

پیمودند. این اوج گیری با آغاز جنگ ۱۵ ساله داخلی در سال ۱۹۵۷، شدت ویژه ای یافت. به طوری که از تاریخ فوق، احزاب سیاسی لبنان وارد «عصر طلایی» خود شدند.

در این میان، نفوذ قدرتهای خارجی در لبنان نیز در افزایش و کاهش نقش احزاب سیاسی لبنان، نقش تاثیر گذاری داشته است. به طوری که، در عرصه بین المللی کشورهایی چون آمریکا، فرانسه و در منطقه خاورمیانه کشورهایی چون اسرائیل، عربستان، سوریه، ترکیه و مصر به خصوص ایرانیان بیشترین نقش و اثرگذاری را بر احزاب سیاسی لبنان ایفا نمودند.

با ورود جمهوری اسلامی ایران به صحنه سیاسی لبنان، این کشور به مهمترین کانال، برای اثر گذاری بر مسئله قدس فلسطین و منازعه احزاب با رژیم صهیونیستی تبدیل شد و شیعیان لبنان نیز با انتقال از حاشیه به مرکز ثقل تحولات، نقش فزاینده ای در تحولات سیاسی اجتماعی لبنان بر عهده گرفتند. به گونه ای که در حال حاضر بدون در نظر گرفتن دیدگاه ها و خواسته های آنان، دست یابی به هر گونه توافق در جامعه در لبنان ممکن نمی باشد.

هدف اصلی از این تحقیق بررسی تاثیرات مناقشات جناح های داخلی لبنان در دولت هشتم و نهم جمهوری اسلامی ایران است. لذا در این پژوهش هدف اصلی نقش مناقشات جناح های داخلی لبنان بر سیاست خارجی کشور ایران و تصمیم گیری های سیاست در دولت هشتم و نهم می باشد.

جمعیت لبنان از طوایف و فرقه های گوناگونی شکل گرفته است و هر طایفه ای منافع خود را دنبال می کند. لذا جامعه لبنان فاقد همبستگی کافی است بنابراین، بررسی وضعیت مناقشات جناح های داخلی لبنان، چشم انداز بهتری از وضعیت شیعیان و کل لبنان ارائه می دهد.

لذا مطالعه تاثیر مناقشات جناح های داخلی لبنان بر سیاست خارجی دولت هشتم و نهم جمهوری اسلامی ایران می تواند نگاه بر مسائل لبنان و شیعیان را در منظر دولت های هشتم و نهم جمهوری اسلامی ایران، بارزتر سازد.

فصل اول:

کلیات طرح تحقیق

۱-۱- بیان مسئله (طرح مسئله)

در تاریخ کشور لبنان، در دوره‌های احزاب به صرف تعلقات قبیله‌ای - مذهبی و با اتکا به حمایت خارجی مقدمات جنگ داخلی رافراهم کرده‌اند. در تاریخ لبنان نبرد بین گروه‌ها و احزاب نمادی از تعارضات دو گانه قبیله‌ای - مذهبی است که به آغاز دوران جدیدی در تحولات تاریخی معاصر این کشور بدل شده است.

لبنان به عنوان دومین کشور کوچک منطقه خاورمیانه دارای بیشترین تعداد احزاب، گروه‌ها و دسته‌های سیاسی در سطح منطقه خاورمیانه می‌باشد. ویژگی منحصر به فرد لبنان، ترکیب قبیله‌ای-مذهبی آن است. این ترکیب، تاثیر مهمی بر سرنوشت سیاسی لبنان داشت. مشکلاتی که در دگرگونی اجتماعی همه کشورها وجود دارد، در لبنان با ترکیب قبیله‌ای-مذهبی منحصر به فرد آن عجین شده است. هیچ یک از هفت فرقه عمده مذهبی این کشور، اکثریتی را تشکیل نمی‌دهند. موازنه تقریبی بین مسیحیان و مسلمانان از یک سو و تقسیم مسلمانان به شیعیان و سنی‌ها از سوی دیگر فضای سیاسی لبنان را همواره ناآرام و بی‌ثبات کرده است. حضور مسیحیان علاقه غرب به این کشور را در پی داشته است. حضور سنی‌ها هم علاقه مندی کشورهای اسلامی را برانگیخته است. حضور شیعیان نیز حضور چشم‌گیر و موثر ایران را در تحولات این کشور طی سالهای اخیر موجب شده است. بعد از ترور رفیق حریری (نخست وزیر سابق لبنان) گروه‌های داخلی و خارجی در لبنان را می‌توان به دو گروه اساسی تقسیم نمود، که خود لبنانی‌ها آن را برگزیده‌اند:

گروه ۸ مارس (مخالفین دولت) و گروه ۱۴ مارس (موافقین دولت)

جرقه‌های نفوذ انقلاب اسلامی ایران در لبنان از زمانی آغاز شد که در جریان جنگ داخلی لبنانی‌ها، امام خمینی (ره) گروه‌های لبنانی را به اتحاد و مبارزه با دشمن اصلی یعنی رژیم اشغالگر قدس فراخواند. امروز ارتباطات ایران با شیعیان لبنان به اندازه‌ای زیاد شده که برخی جنگ سی‌سه روزه را در تقابل ایران با آمریکا می‌دانند. بنابراین در نتیجه ارتباط این مباحث یعنی نفوذ ایران در لبنان و احزاب در لبنان در این پژوهش، به مطالعه تاثیرات مناقشات جناح‌های داخلی لبنان بر سیاست خارجی دولت هشتم و نهم جمهوری اسلامی ایران پرداخته می‌شود تا بتوان نگاه به مسائل لبنان و شیعیان را در منظر دولتمردان ایرانی و ارتباط آن با منافع ملی کشورمان، بارزتر ساخت. این پژوهش

بررسی تشریح و تبیین تاثیر مناقشات جناح های داخلی لبنان را بر سیاست خارجی دولت هشتم و نهم حکومت جمهوری اسلامی ایران را در دستور کار خویش قرار داده است.

۱-۲- اهداف تحقیق

هدف اصلی از این تحقیق بررسی تاثیرات مناقشات جناح های داخلی لبنان در دولت هشتم و نهم جمهوری اسلامی ایران است. لذا در این پژوهش هدف اصلی نقش مناقشات جناح های داخلی لبنان بر سیاست خارجی کشور ایران و تصمیم گیری های سیاست در دولت هشتم و نهم می باشد. جمعیت لبنان از طوایف و فرقه های گوناگونی شکل گرفته است و هر طایفه ای منافع خود را دنبال می کند. لذا جامعه لبنان فاقد همبستگی کافی است بنابراین، بررسی وضعیت مناقشات جناح های داخلی لبنان، چشم انداز بهتری از وضعیت شیعیان و کل لبنان ارائه می دهد. در نهایت، با بررسی وضعیت مناقشات جناح ها، به هدف اصلی پژوهش یعنی چشم انداز تاثیرات این مناقشات بر سیاست خارجی دولت هشتم و نهم جمهوری اسلامی ایران می رسیم.

۱-۳- انگیزه و علت انتخاب موضوع

انگیزه و در واقع علت انتخاب این موضوع، بررسی مسأله شیعیان لبنان به نوعی ارتباط نزدیک به نوع تعاملات ملت و دولت ایران با مسائل خاورمیانه و اعراب و اسرائیل دارد.

سوالات اصلی و فرعی (سوالات تحقیق)

۱-۴- سوال اصلی

سوال اصلی این تحقیق عبارت است از اینکه:

• مناقشات جناح های داخلی لبنان چه تاثیری بر سیاست خارجی دولت هشتم و نهم جمهوری

اسلامی ایران داشته است؟

۱-۵- سوالات فرعی

سوالات فرعی این پژوهش عبارتند از:

- گروهها واحزاب سیاسی در جامعه لبنان چگونه و در چه سالهایی شکل گرفته اند؟
- مناقشات جناح های داخلی در لبنان بیشتر بر سر چه مسأله ای است؟
- تأثیر مناقشات جناح های داخلی لبنان در سیاست خارجی دولت هشتم جمهوری اسلامی ایران به چه صورت بوده است؟
- تأثیر مناقشات جناح های داخلی لبنان در سیاست خارجی دولت نهم جمهوری اسلامی ایران به چه صورت بوده است؟

۱-۶- فرضیه

فرضیه این پژوهش عبارت است از اینکه:

مناقشات جناح های داخلی لبنان بر سیاست خارجی دولت هشتم ونهم جمهوری اسلامی ایران تاثیر داشته است ،لیکن در دولت هشتم این سیاست در توازن با منافع ملی و در دولت نهم فراتر از منافع ملی بوده است.

۱-۷- متغیرها

متغیرها در این پژوهش عبارت است ازاینکه :

متغیر مستقل : مناقشات جناح های داخلی لبنان

متغیر وابسته : سیاست خارجی دولت هشتم ونهم جمهوری اسلامی ایران

۱-۸- روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش روش توصیفی -تحلیلی- تاریخی است.

۱-۹- ابزار و روش گردآوری اطلاعات

روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش اسنادی - کتابخانه ای است و ابزار گردآوری اطلاعات شامل اسناد و مدارک مرتبط با موضوع شامل کتاب، مجلات تخصصی، اسناد رسمی، مقالات و تحلیل های مجلات و روزنامه های داخلی و خارجی، آرشیو روزنامه ها و خبرگزاری ها، سایت های اینترنتی و بانک های اطلاعاتی می باشد.

۱-۱۰- تعریف مفاهیم

برخی از مفاهیم بکار رفته در این پژوهش عبارتند از:

لبنان: واژه لبنان از واژه سامی «لبن» که اشاره به قلعه های سفید کوهستانهای لبنان دارد گرفته شده است. لبنان کشوری کوهستانی در غرب آسیا و خاورمیانه و در کنار کرانه خاوری دریای مدیترانه است که پایتخت آن شهر بندری بیروت است. لبنان از شمال و شرق با کشور سوریه، از جنوب با کشور اسرائیل و از غرب با دریای مدیترانه همسایه است. تا قبل از جنگ داخلی ۱۹۹۰-۱۹۷۵ لبنان کشوری متمول در منطقه و پایتخت بانکداری جهان عرب محسوب می شد و تعداد زیادی توریست را جذب خود می کرد تا حدی که بیروت را به عنوان پاریس خاورمیانه می شناختند و همچنین به دلیل قدرت مالی بسیار لبنان را به عنوان سوئیس خاورمیانه می شناختند. بلافاصله بعد از پایان جنگ تلاشهای بسیار صورت گرفت تا اقتصاد را بهبود بخشد و زیر ساختهای کور را از نو بسازد که نتایج مثبت آن در سالهای اخیر آشکار شده است. تا قبل از ابتدای سال ۲۰۰۶، کشور به ثبات و بازسازی لبنان به پایان رسید و تعداد بسیاری توریست به گردشگاههای لبنان سرازیر شدند. اما با شروع جنگ اسرائیل لبنان در ۱۲ ژوئیه ۲۰۰۶ تعداد بسیاری نظامی و غیر نظامی صدمه دیدند و خسارات زیادی به زیر ساختهای کشور وارد شد و جمعیت گسترده ای بی خانمان شدند. از سپتامبر ۲۰۰۶ دولت لبنان برنامه رسیدگی به املاک مخروبه بیروت، طبر و دیگر دهات واقع در جنوب لبنان را شروع کرده است. (www.wikipedia.org)

مناقشات جناح های داخلی لبنان: ویژگی منحصر به فرد لبنان، ترکیب قومی و فرقه ای آن است. این ترکیب فرقه ای، تاثیر مهمی بر سرنوشت سیاسی لبنان داشت. مشکلاتی که در دگرگونی اجتماعی همه کشورها وجود دارد، در لبنان با ترکیب مذهبی و فرقه ای منحصر به فرد آن عجین شده است. هیچ یک

از هفت فرقه عمده مذهبی این کشور، اکثریتی را تشکیل نمی دهند. موازنه تقریبی بین مسیحیان و مسلمانان از یک سو و تقسیم مسلمانان به شیعیان و سنی ها از سوی دیگر فضای سیاسی لبنان را همواره ناآرام و بی ثبات کرده است. حضور مسیحیان علاقه غرب به این کشور را در پی داشته است. حضور سنی ها هم علاقه مندی کشورهای اسلامی را برانگیخته است. حضور شیعیان نیز حضور چشم گیر و موثر ایران را در تحولات این کشور طی سالهای اخیر موجب شده است. بعد از ترور رفیق حریری (نخست وزیر سابق لبنان) گروههای داخلی و خارجی در لبنان را می توان به دو گروه اساسی تقسیم نمود، که خود لبنانی ها آن را برگزیده اند: گروه ۸ مارس (مخالفین دولت) و گروه ۱۴ مارس (موافقین دولت). (غفوری سبزه واری، ۱۳۸۸، ۴۴).

سیاست خارجی: جهتی را که یک دولت برمیگزیند تا در آن سوی مرزها از خود تحرک نشان دهد و نیز شیوه نگرش دولت را نسبت به جامعه بین المللی سیاست خارجی می گویند. (قوام، ۱۳۸۴، ۲-۱). از سوی دیگر می توان سیاست خارجی را مشتمل بر تعیین و اجرای یک سلسله اصول و هدفهایی دانست که بر رفتار کشورها در صحنه های بین المللی حاکم است (مقتدر، ۱۳۸۴، ۱۰۴).

منافع ملی: در مورد مفهوم منافع ملی، تعاریف و نظریه های گوناگونی وجود دارد که در یک جمع بندی می توان گفت: «منافع ملی، هدف های عام و ماندگاری است که یک ملت برای دستیابی به آنها تلاش می کند». بر اساس این تعریف، منافع ملی، مفهوم وسیعی است که تنها به معنای حفظ استقلال ملی و تمامیت ارضی و اهداف صرفا مادی و منحصر در مرزهای جغرافیایی نیست، بلکه حیطة وسیعی است که دستیابی به اهداف ایدئولوژیک، انرژی، منابع مواد خام، فناوری جدید، توسعه اقتصادی، منطقه نفوذ، دفاع از اتباع خود در خارج از مرزها، دفاع از هویت فرهنگی خویش و... را نیز در بر می گیرد. (<http://www.hamshahrionline.ir>).

۱۱-۱- محدودیت ها و موانع و مشکلات تحقیق

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به لحاظ ساختارهای جغرافیایی، اجتماعی و اقتصادی خاص جامعه و نیز به خاطر وجود گرایشهای آرمانی و نوع نگرش سیاستمداران و تصمیم گیرندگان به نظام بین المللی، در بین حدود ۲۰۰ کشور جهان حالتی ویژه و شخصیت محور دارد. در عین حال نظریه

های روابط بین الملل با قابلیت تبیین، توضیح و پیش بینی می توانند در تبیین و توصیف پدیده های بین المللی و سیاست خارجی دولت ها از جمله ایران، نه بطور کامل، بلکه تا حد قابل توجهی به کار می آید. البته نباید در بکارگیری نظرات روابط بین الملل در توصیف سیاست خارجی ایران دچار سازه انگاری شویم و از نقاط ضعف آنها در تبیین الگوهای رفتاری متفاوت با توجه به تمایزات فرهنگی و جغرافیایی و شخصیتی غافل بمانیم بلکه استفاده از این قالب ها بدون تردید برای آشکار سازی و دست یابی نقاط ضعف و قوت سیاست در روابط خارجی ایران بسیار مناسب است.

۱-۱۲- پیشینه و ادبیات تحقیق

کتب موجود درباره لبنان که در مراکز پژوهش و دانشگاهی کشور موجود است بیشتر به موضوعاتی چون سیاست و حکومت در لبنان و فرقه ها و طوایف لبنان می پردازد. در موضوع مناقشات جناح های داخلی لبنان در محافل علمی داخل کشور تا به امروز کار چندان در خور توجهی صورت نگرفته است. لیکن در مورد احزاب سیاسی لبنان تا به امروز چندین کار پژوهشی صورت گرفته است که در این میان یک نمونه از این پژوهشها در قالب کتاب تحت عنوان «لبنان تاریخچه احزاب سیاسی» در انتشارات نیستان توسط دکتر مسعود حسینیان نگاشته شده است. اما متأسفانه نویسنده بعلت حجم بالای مطلبی که در این زمینه است نتوانست حق مطلب را ادا کند. در این کتاب صرفاً به احزاب سیاسی در لبنان و اهداف این احزاب پرداخته شده و نویسنده عنایتی به تأثیرات این احزاب بر سیاست خارجی کشورمان نداشته است.

در کنار این مورد کتابی با عنوان «قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران با مطالعه موردی لبنان» تألیف شده که مولف آن دکتر مهدی بیگی است که در انتشارات دانشکده امام صادق (ع) در سال ۱۳۸۹ به انتشار رسیده است که در این اثر مولف به این مسئله پرداخته است که پیروزی انقلاب اسلامی ایران موجب احیای افکار و اندیشه های اسلامی در سراسر جهان به خصوص کشور لبنان شده است. لیکن در این اثر صرفاً به تأثیرات فرهنگی - سیاسی جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب شکوهمند بر جناح های لبنان پرداخته شده است و متأسفانه عنایتی بر تأثیرات مناقشات جناح های لبنان بر سیاست خارجی کشورمان نشده است. در کنار این مورد، در کتاب دکتر نهاد حشیشوت تحت عنوان «احزاب سیاسی لبنان» ترجمه

حسین موسوی که در مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه در سال ۱۳۸۰ به چاپ رسیده است، صرفاً به مواضع احزاب و دیدگاههای عقیدتی سیاسی اشان و نیز ساختار و تشکیلات احزاب پرداخته شده است که متأسفانه این پژوهش‌ها امروزه کاربرد چندانی ندارد، چون بسیاری از آنها در دهه های گذشته کار شده است.

پایان نامه اینجانب که با عنوان تاثیر مناقشات جناح های داخلی لبنان بر سیاست خارجی دولت هشتم و نهم جمهوری اسلامی ایران می باشد. به صراحت می توان عنوان کرد که تنها پایان نامه ای است که در مقطع کارشناسی ارشد بر روی آن کار پژوهشی صورت گرفته است. امید است که پایان نامه مذکور مورد استفاده سایر محققان و اندیشمندان گرامی قرار گیرد.

۱-۱۳- سازماندهی تحقیق

این تحقیق بر اساس موارد ذیل تدوین شده است:

فصل اول: کلیات طرح تحقیق

فصل دوم: چارچوب نظری تحقیق

فصل سوم: لبنان، گروهها و احزاب سیاسی در این کشور

فصل چهارم: مناقشات جناح های داخلی در لبنان

فصل پنجم: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۸)

فصل ششم: تأثیر مناقشات جناح های داخلی در سیاست خارجی دولت هشتم و نهم جمهوری اسلامی

ایران

فصل هفتم: نتیجه گیری و درانتها فهرست منابع.

فصل دوم

چارچوب نظری

اهداف و منافع ملی کشورها در فرآیند تصمیم‌گیری و براساس ارزش‌ها و باورهای ملی و درک تصمیم‌گیرندگان از آنها تعیین و ابزارها و امکانات برای تأمین آنها مدنظر قرار می‌گیرد. بررسی سیاست خارجی و روند تصمیم‌گیری کشورها در پی شناخت دقیق‌تر مقاصد و راهبرد دولت‌ها در عرصه بین‌الملل است تا تحلیل دقیق‌تری از رفتار و سیاست خارجی آنها به دست دهد. تحلیل سیاست خارجی یا رفتار دولت‌ها در عرصه بین‌الملل، یکی از مباحث اصلی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل است. دانشوران این رشته‌ها، تلاش دارند علت رفتار و سیاست‌های متفاوت یا مشابه دولت‌ها را در عرصه بین‌الملل درک کنند. سیاست خارجی کشورها نشان‌دهنده اهدافی است که دولت‌ها در عرصه‌های خارجی در پی دست‌یابی به آن هستند.

۲-۱-۱-۱-۱-۱ مباحث تئوریک در تحلیل سیاست خارجی :

بررسی سیاست خارجی، در آغاز تحت تأثیر نظریه واقع‌گرایی^۱ بود و در آن قالب مورد ارزیابی قرار می‌گرفت. از دید واقع‌گرایی، نظام اقتدارگرایز (آنارشسی) بین‌المللی، اصل خودیاری دولت‌ها، تلاش برای حفظ و افزایش قدرت، نقش تعیین‌کننده منافع ملی در هدایت سیاست خارجی کشورها، دیپلماسی و موازنه قدرت پارامترهای اصلی در تعیین رفتار و سیاست خارجی دولت‌ها در عرصه بین‌المللی هستند. واقع‌گرایان، عرصه امور داخلی و خارجی را جدا از هم می‌دانند. در عرصه داخلی، حکومت و حاکمیت است. در حالی که در عرصه بین‌الملل، چنین حکومتی وجود ندارد و اصل خودیاری بر آن حاکم است که از ویژگی اقتدارگرایی نظام بین‌المللی ناشی می‌شود. واقع‌گرایان کلاسیک، سیاست خارجی را عرصه دیپلماسی می‌دیدند که برای شناخت باید به تجربه‌های تاریخی موفق مراجعه کرد. (حاجی یوسفی، ۱۳۸۴، ۶۳).

۲-۱-۲-۱-۲ واقع‌گرایی کلاسیک :

مورگنتا را می‌توان نمونه‌ای از واقع‌گرایی کلاسیک دانست. به نظر می‌رسد که در وهله نخست و به ویژه با توجه به متن اصلی نظری او یعنی سیاست میان‌ملتها می‌توان او را از نظر معرفت‌شناختی کاملاً مدرن دانست، زیرا او قائل به امکان شناخت، وجود قوانین عینی قابل کشف، وجود واقعیت عینی، نفی دانش پیشینی و کاربرد خرد و تجربه در شناخت است. در واقع منافع ملی و قدرت دو مفهوم اصلی و

^۱ Realism

کلیدی نظریه او به شمار می‌رود، برداشت مورگنتا از قدرت رابطه‌ای است، مورگنتا گاه قدرت را به عنوان هدف و غایت سیاست در نظر می‌گیرد، هر چه دولتها از قدرت بیشتری برخوردار باشند بهتر می‌توانند منافع خود را در سطح بین‌الملل تأمین کنند. گاهی نیز قدرت را به عنوان ابزار مطرح می‌کند، که در اینجا عناصر قدرت ملی اهمیت پیدا می‌کند که از نظر او عناصر قدرت ملی جغرافیا، منابع طبیعی، توان صنعتی، آمادگی صنعتی و روحیه ملی و عناصر مشابه هستند در واقع قدرت در اینجا چند بعدی و غیر قابل تعریف عملی و بیشتر ذهنی است. (www.ghatreh.com).

۲-۱-۳- واقع‌گرایی در قرن بیستم :

جو بحران زده روابط بین‌الملل در دهه ۱۹۳۰ زمینه مناسبی را برای رشد الگوهای بدبینانه از روابط بین‌الملل فراهم کرد. در طول این دهه و پس از آن، دو دیدگاه واقع‌گرایانه نضج گرفت. یکی از این دو دیدگاه، طرفدار مفهوم «قدرت به عنوان هنجار» بود. این مکتب فکری مبین نوعی سرخوردگی و حتی تنفر شدیدی از تلاشهای خوش بینانه و رضایت‌مندانه برای ایجاد جهانی صلح‌آمیز از طریق توسعه اصول دموکراسی به صحنه جهانی بود. دیدگاه دیگر، با طرح همان موضوعات اصلی که در آثار نویسندگان دو دهه نخست پس از جنگ دوم جهانی مشاهده می‌شود، عمری طولانی‌تر داشت، و از اصطلاح «قدرت» در مفهومی غیرهنجاری و تحلیلی در چهارچوب برداشتی پیچیده‌تر و نامحدودتر از نظام بین‌المللی استفاده می‌کرد. (مشیرزاده، ۱۳۸۸، ۸۴)

در مورد نظام بین‌الملل، مورگنتا^۱ بر سرشت آنارشیک آن و به تبع آن، امکان همیشگی وقوع جنگ در آن تأیید دارد. اما در عین حال، او بر آن است که در طول تاریخ پنج روش اصلی برای حفظ نظم و صلح بین‌المللی به وجود آمده‌اند که عبارت‌اند از: موازنه قدرت، حقوق بین‌الملل، سازمانهای بین‌المللی، حکومت جهانی دیپلماسی. از میان اینها، او اولی و آخری را به عنوان کارآمدترین ابزار معرفی می‌کند. موازنه قدرت برای حفظ استقلال و حاکمیت دولتها ضرورت دارد و جلوی توسعه طلبی و سیاستهای تجدیدنظر طلبانه‌ای را که می‌توانند بی‌نظمی و یا سلطه و تفوق یک دولت بر سایرین منجر شوند می‌گیرد. نظام بین‌الملل در شرایط موازنه قدرت است که به ثبات و تعادل می‌رسد. البته این ثبات بسیار شکننده است زیرا اولاً دولتها بر مبنای حد سیاست و برداشت‌های خود از قدرت خود

^۱ Morgenthau

و دیگران عمل می کنند و بنابراین همیشه نوعی عدم قطعیت وجود دارد؛ ثانیاً عملاً تلاش برای موازنه قدرت در این شرایط عدم قطعیت به تلاش برای نیل به حداکثر قدرت منجر می شود و در نتیجه هیچ گاه موازنه واقعاً به وجود نمی آید؛ ثالثاً موازنه قدرت به تنهایی برای تثبیت نظام دولتها و حفظ استقلال اعضا کارآمد نیست و نوعی اجماع اخلاقی نیز برای تحدید قدرت طلبی دولتها ضروری است. (همان، ۱۰۳).

۲-۱-۴- نو واقع گرایی یا واقع گرایی ساختاری :

نو واقع گرایی را که در اواخر دهه ۱۹۷۰ شکل گرفت، می توان بیش از هر چیز تلاشی برای عملی کردن واقع گرایی دانست. در شرایطی که واقع گرایی کلاسیک متهم به آن بود که سنت گرا و غیرعلمی است. برخی از واقع گرایان تلاش کردند روایتی علمی از واقع گرایی عرضه کنند که با معیارهای علمی مرسوم انطباق داشته باشد. از حوزه های مورد توجه واقع گرایی جدید مسائل اقتصادی بین المللی بود. در دهه ۱۹۷۰ کنت والتز مهمترین نماینده تلاشی برای عملی کردن واقع گرایی در قالب نو واقع گرایی یا واقع گرایی ساختاری محسوب می شود. در حوزه اقتصادی نیز می توان رابرت گیلین و استفن کراسنر را مهمترین نظریه پردازان واقع گرایی دانست که مسائل اقتصادی و نیز نهادهای بین المللی را مدنظر قرار دادند و کوشیدند توضیحی واقع گرایانه از آنها ارائه کنند. (همان، ۱۰۸)

۲-۱-۵- لیبرالیسم :

با وجود اینکه معمولاً در بحث راجع به روابط بین الملل، بیشتر بر سنت واقع گرایی تأکید می شود، اما می توان گفت که رشته روابط بین الملل در اصل در اندیشه ها و آرمانهای لیبرالیسم ریشه دارد. و در واقع، این نظریه است که در بدو شکل گیری این رشته بر آن مسلط بود. بنابراین جا دارد، به رغم سلطه ی واقع گرایی در دهه های میانی قرن بیستم و حتی پس از آن، و همچنین به رغم آنکه نظریه پردازان واقع گرا به قدمت بیشتر سنت واقع گرایی تأکید دارند، بررسی نظریه ها را در لیبرالیسم مورد بحث قرار می دهیم. ریشه لیبرالیسم مدرن را که در آستانه جنگ جهانی دوم به عنوان «آرمانشهر انگاری» مورد حمله قرار گرفت، در نارضایتی از نظام جهانی موجود جنگ اول جهانی می دانند. (همان، ۲۵).

مهم ترین وجه معرف نظریه های لیبرال، باور به امکان تحول در روابط بین الملل به شکل همکاری، کاهش تعارضات، و نهایتاً نیل به صلح جهانی است. استین و پستینورد بر آن اند که لیبرالیسم مبتنی بر این مفروضه هاست:

۱- لیبرالها معتقدند همه انسانها موجوداتی عقلانی اند. عقلانیت را می توان به دو شکل به کار برد:

الف) به شکل ابزاری به عنوان توانایی شکل دادن و تعقیب «منافع»؛

ب) توان فهم اصول اخلاقی و زندگی بر اساس حکومت قانون.

۲- لیبرالها به آزادی فردی بیش از هر چیز بها می دهند.

۳- لیبرالیسم برداشتی مثبت یا متریقی از سرشت بشر دارد. لیبرالها معتقدند می توان به تغییراتی در روابط بین الملل دست یافت.

۴- لیبرالها بر امکانات کارگزاری انسانی برای تأثیر بر تغییر تأکید می کنند.

۵- لیبرالیسم به طرق متمایزی تفکیک میان قلمرو داخلی و بین المللی را به چالش می کشد.

الف) لیبرالیسم آموزه ای عام گراست و بنابراین متعهد به اجتماع جهان شمول بشری است که فراتر از احساس یگانگی با اجتماع دولت- ملت و عضویت در آن است؛ ب) مفاهیم لیبرالی وابستگی متقابل و جامعه جهانی حاکی از آن است که در جهان معاصر مرزهای میان دولتها به شکلی فزاینده نفوذپذیر می شوند. (همان، ۲۷).

۲-۱-۶- نهادگرایی لیبرال و نولیبرال :

منظور از نهادهای بین المللی الگوهای عادی در رویه های دو و چند جانبه است که رفتار پذیرفتنی را تعریف می کنند. این اصطلاح در پیوند با مفهوم رژیمهای بین المللی^۱ است و گاه این دو به یک معنا به کار می روند. رژیمها به معنای قواعد و هنجارهایی اند که رفتار را در حوزه های خاص موضوعی فعالیت بین المللی تنظیم می کنند. سازمانهای بین المللی نیز بازوهای اداری رژیم های بین المللی اند. لیبرالها معمولاً دیدگاه خوش بینانه ای نسبت به نقش نهادهای بین المللی در ایجاد و گسترش همکاریهای بین المللی دارند. از این دیدگاه از نهادهای بین المللی می توان برای افزایش یا تثبیت

^۱ . International regimes

مزایای صلح، مانند وابستگی متقابل اقتصادی و افزایش هزینه های جنگ از طریق تنبیه جمعی تجاوز استفاده کرد. (همان، ۵۹).

رابرت کوهن^۱، رهبر مکتب هاروارد نظریه لیبرال بین المللی، در ادامه نظریه پردازیهای خود در حوزه فراملی گرایی و وابستگی متقابل، مهمترین نظریه پرداز نهادگرایی نولیبرال نیز محسوب می شود. در واقع پس از انتشار کتاب قدرت و وابستگی متقابل (۱۹۷۹) تا سال ۱۹۸۴ که کتاب پس از هژمونی، همکاری و اختلاف در سیاست جهانی او منتشر شده تغییراتی در دیدگاههای او به وجود آمده بود که در نتیجه آنها دیگر واقع گرایی و وابستگی متقابل را به عنوان دو نظریه رقیب نمی دید. نتیجه این شد که کوهن تقریر نوینی از نهادگرایی ارائه کرد که به زعم خود او همان اندازه که وامدار لیبرالیسم بود، بر واقع گرایی نیز تکیه داشت. (همان، ۶۴-۶۵).

رویکردهای نخستین سیاست خارجی، عموماً در واکنش به سیطره واقع گرایی در تحلیل سیاست خارجی دولتها در دوره پس از جنگ جهانی دوم شکل گرفتند. آنها فرض های پارادایم واقع گرایی را در هر دو بعد هستی شناختی و شناخت شناسی به چالش کشیدند.

نخست، آنها برخلاف واقع گرایان، دولت را جعبه سیاه قلمداد نمی کنند. سیاست خارجی دولتها واکنش به ساختار نظام بین الملل نیست. سیاست خارجی کشورها متأثر از نقشی است که تصمیم گیرندگان سیاست خارجی آنها برای خود قائلند و در تعامل با بازیگران متفاوت داخلی و خارجی شکل می گیرد. در عین حال، نه دولت ها واحدهای همگن هستند و نه سیاست خارجی آنها یکسان هست. (همان، ۶۵)

دوم، دولتها را نمی توان به عنوان بازیگران خردمند قلمداد کرد که بدون توجه به سایر بازیگران، گزینه های حداکثری را برای تأمین منافع حداکثری انتخاب و تعقیب می نمایند.

سوم، برخلاف دیدگاه واقع گرایان که منافع ملی را یکدست، عینی و ملموس و ثابت تلقی می کنند، رویکردهای تحلیل سیاست خارجی، بخصوص رویکردهای جدید، آن را اجتماعی و برساخته می دانند. (همان، ۶۷)

^۱. Kohane